

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۲۰

چکیده

هدف پژوهش حاضر «بررسی راهکارهای جلب مشارکت‌های مردمی با پلیس از دیدگاه شهروندان بوشهری و کارشناسان انتظامی در راستای ارتقاء امنیت اجتماعی در شهرستان بوشهر در سال ۱۳۹۴» است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه ساکنان بالای ۱۵ سال این شهرستان، حجم نمونه تحقیق ۳۸۴ نفر و روش پژوهش، توصیفی-پیمایشی می‌باشد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی شامل میانگین، آزمون‌های t دو نمونه‌ی مستقل، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک راهه و آزمون تعقیبی شفه استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که: بین ارزیابی شهروندان و کارشناسان انتظامی، پاسخگویان شهری و روستایی از راهکارهای جلب مشارکت مردمی در سطح ۵٪ تفاوت معنادار آماری وجود داشته اما بین ارزیابی شهروندان دارای سابقه مشارکت و فاقد سابقه مشارکت از راهکارهای جلب مشارکت مردمی تفاوت معنادار آماری وجود ندارد؛ بین وضعیت شغلی و سطح تحصیلات پاسخگویان با میزان ارزیابی راهکارهای جلب مشارکت مردمی در سطح ۵٪ تفاوت معنادار آماری وجود داشته اما بین گروه‌های درآمدی پاسخگویان با میزان ارزیابی راهکارهای جلب مشارکت مردمی تفاوت معنادار آماری وجود ندارد؛ همچنین بین میزان مشارکت اجتماعی کارشناسان انتظامی با چگونگی ارزیابی آنان از راهکارهای جلب مشارکت مردمی رابطه معنادار آماری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت مردمی، راهکار، امنیت اجتماعی، جلب مشارکت، پلیس، بوشهر

مقدمه

در ایران از لحاظ تاریخی همواره رویکردی اقتدارگرا از سوی حاکمیت و نهادهای نظامی و انتظامی در برقراری نظم و امنیت دنبال می شده است. از این رو از یک طرف حاکمیت و نهادهای نظامی و انتظامی کمترین توجه را به جلب اعتماد و مشارکت اجتماعی مردم معطوف داشته‌اند و از طرفی هم مردم کمترین مشارکت انتظامی را در عرصه مشارکت اجتماعی از خود جلوه گر ساخته‌اند. در واقع می‌توان گفت تا قبل از انقلاب اسلامی امنیت برآمده از اقتدار و حاکمیت پلیسی مسلط بر جامعه بوده است. در نتیجه همواره مشارکت مردم در امور انتظامی با نیروهای برقرار کننده نظم امنیت در سطوح پایینی بوده است، چرا که مردم به این نیروها به عنوان نیروهایی برخاسته از حاکمیت و در خدمت حاکمیت نگریسته‌اند، نه نهادی برخاسته از مردم و برای مردم. در واقع مردم همواره پلیس را در مقابل خود دیده‌اند نه در کنار خود. حتی در کشور یک روحیه پلیس ستیزی را از لحاظ تاریخی شاهدیم که این روحیه خود منبث از روحیه قانون گریزی بوده است چرا که مردم به قانون به عنوان مقرراتی برای حفظ منافع حاکمیت می نگریسته‌اند و بنابراین طبیعی است که نگاه آن‌ها به پلیس به عنوان ابزاری برای حفظ منافع حاکمیت باشد نه چیز دیگر (وروایی، ۱۳۸۴).

مشارکت در برقراری نظم و امنیت یکی از جدیدترین عرصه‌های بروز مشارکت است. این نوع مشارکت با بروز مسایل و معضلات فرهنگی و اجتماعی، توجه به راه حل‌های رفع معضلات و افزایش آگاهی افراد نسبت به این امر اهمیتی دو چندان یافته است. اما باید توجه داشت در اجرای مأموریت تأمین نظم و امنیت، نیروی پلیس هر قدر هم که توان علمی، نیروی انسانی و تجهیزاتی را زیاد نماید، به تنهایی قادر به پیشگیری از وقوع جرم و تأمین نظم و امنیت نبوده و تنها از طریق جلب مشارکت‌های مردمی است که می‌تواند این مهم را تحقق بخشد. مشارکت مردم و استفاده از ظرفیت‌های خوب مردم در برنامه‌های نیروی انتظامی موجب برقراری نظم و امنیت پایدار در جامعه خواهد شد (محمدی، ۱۳۸۹).

در سال‌های گذشته نحوه مشارکت مردم با پلیس در سطوح بسیار پایین و ابتدایی صورت می‌پذیرفت که این امر موجبات نارضایتی عمومی از عملکرد ناجا را در پی داشته است لذا به منظور رفع این مشکل و فراهم نمودن بسترهای جلب مشارکت و همکاری عمومی با نیروی انتظامی تمهیداتی به عمل آمد که امکان جلب مشارکت‌های عمومی در مأموریت‌های ناجا را بیش از پیش فراهم آورده است. بنابراین مشارکت عمومی در برقراری نظم و امنیت یکی از اهداف پلیس بوده که به منظور جلب همکاری و مشارکت مردمی در برقراری نظم و امنیت در کشور، برنامه‌هایی از سوی نیروی انتظامی صورت گرفته که از جمله این برنامه‌ها می‌توان برنامه همیاری پلیس، نواختن زنگ نظم و انضباط اجتماعی در مدارس کشور، برگزاری مانورهایی با مشارکت مردم، طرح پارکبان، واگذاری بخشی از خدمات پلیسی به بخش خصوصی، طرح پلیس محله و... را ذکر کرد.

بیان مسئله

مشارکت از دیرباز یکی از ابزارهای مهم زندگی انسان‌ها بوده و پدیده‌ای نوین محسوب نمی‌شود و می‌توان آن را با مفاهیمی نظیر همکاری، مساعدت و یاری‌گری مرتبط دانست (شادی طلب، ۱۳۸۲). کانون خانواده بر پایه مشارکت استوار و تأمین هدفهای آن از راه مشارکت آسانتر است. ادیان و مذاهب گوناگون مشارکت را زمینه‌ای برای کوششهای عبادی و سیاسی پیروان خود می‌دانند و آن را بسان نوعی از ابزار نیرومند اداری می‌پذیرند. در روابط انسانی نیز مشارکت وسیله بسیار مناسبی برای ایجاد انگیزش، افزایش کارایی و تغییر وضع موجود است (روابط عمومی ناجا، ۱۳۸۹). موضوع مشارکت و چگونگی تحقق آن گرچه ریشه در تاریخ دیرینه ملتها دارد و جوانب مختلف مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور ما در طول تاریخ بر اساس

مشارکت‌های مردم استوار بوده است، لیکن این مفهوم امروز اهمیتی دو چندان پیدا کرده و همواره به عنوان یک ضرورت تاریخی در عرصه‌های گوناگون مورد بحث بسیاری از اندیشمندان و دست‌اندرکاران بویژه در زمینه‌های مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار گرفته است به گونه‌ای که به نظر برخی از اندیشمندان محور اساسی توسعه بر مشارکت کلیه نیروها استوار است. با عنایت به این واقعیت که رشد ملی نه فقط به مدد منابع مادی بلکه بیشتر به یاری و مشارکت انسان‌ها صورت می‌پذیرد و تصمیمات گروهی توجه به نیازهای محلی و گروهی، رودررویی مستقیم با مسائل و حل فوری آن نیز به مدد اندیشه و تفکر جمعی امکان‌پذیر است (سعیدی، ۱۳۸۲). مشارکت اگر به صورت نهادمند و سازماندهی شده به اجرا درآید می‌تواند منشأ اقدامات سازنده، پایدار و مثمر ثمری در جامعه باشد. مشارکت در واقع نوعی رفتار اجتماعی مبتنی بر اعتقاد به منافع شخصی یا گروهی است که در تمام زمینه‌های زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارد (سیف زاده، ۱۳۸۶).

با گسترش معنای مشارکت و راه یافتن آن به عرصه‌های مختلف زندگی، امروزه سخن از وضعیت است که همه مردم در تعیین سرنوشت خویش دخالت آگاهانه و واقعی پیدا کنند. حضور مردم، در صحنه اداره مختلف کشور، از دیرباز، مورد توجه بوده است. مدیران اجرایی کشور نیز آن را پذیرفته‌اند و در میان جریان‌های مختلف درونی، هیچ کس در لفظ و نوشتار، از آن سر بر نتافته است (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۶). در جهان امروز، مشارکت آحاد جامعه با سازمان‌های متولی اداره امور جامعه ضرورتی انکارناپذیر است و این مشارکت در جهت پیشبرد هر چه بهتر مأموریت‌های سازمان‌ها، نقش مؤثری دارد. از جمله سازمان‌هایی که زمینه‌های بالقوه مشارکت مردم در آن بسیار قوی بوده و مشارکت دو جانبه در بهبود وظایف و انجام مأموریت‌های آن قابل ملاحظه است، سازمان پلیس کشور می‌باشد. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد مردم از جهات عمده نظیر زمینه‌های اقتصادی، روانی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آمادگی نسبی مشارکت با ناجا را دارند (کرامتی و ملتفت، ۱۳۸۲).

در حال حاضر میزان مشارکت مردم در فعالیت‌هایی که در حوزه اقدامات پلیس قرار دارد در سطح مطلوبی قرار ندارد. بی‌گمان یکی از دلایل این امر را باید در میزان اعتماد آنان به عملکرد پلیس جستجو کرد. نتیجه برخی تحقیقات نیز نشان دهنده این موضوع می‌باشد (انصاری، ۱۳۸۲). به رغم تلاش‌های بسیار جدی از سوی مسئولان نیروی انتظامی و تغییراتی که در رویکردهای ناجا صورت پذیرفته است، هنوز هم وجود متغیرهای نظیر سهیم بودن، پذیرش و رفتار قابل اعتماد در بدنه نیرو نهادینه نشده است و این موضوع می‌تواند همچنان از میزان اعتماد و در نتیجه میزان مشارکت شهروندان در فعالیت پلیس بکاهد. تا زمانی که مردم هیچ سودمندی را در رابطه مبتنی بر اعتماد حس نکنند طبعاً علاقه‌ای به مشارکت پیدا نخواهند کرد و زمانی مشارکت به صورت جدی تحقق خواهد یافت که فرد نقش خود را در پیشبرد اهداف سازمان جدی و ملموس تلقی کند. نیروی انتظامی جهت افزایش میزان اعتماد مردمی و همچنین بالا بردن میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی پلیس، در سال‌های اخیر اقدام به تأسیس برخی واحدها از جمله اداره کل مشارکت عمومی، دفتر نظارت همگانی و واحد ۱۱۰ نموده است که هدف اولیه آن استفاده از دیدگاه‌های مردمی در جهت‌دهی به سیاست‌های نیروی انتظامی در زمینه تأمین امنیت جامعه می‌باشد. از آنجایی که این واحدها نیازمند حمایت و یا مشارکت مردمی هستند، لذا قبل از هر چیز مستلزم پیش شرط‌هایی می‌باشند که مهم‌ترین آن، اعتماد مردم به نیروی انتظامی است. زمانی که مردم به ناجا اعتماد داشته باشند، به مشارکت بیشتر ترغیب خواهند شد. چنانچه از منظر دیگری خواسته باشیم به این پدیده نگاه کنیم بایستی بگوییم تأسیس این واحدها باعث تعامل بیشتر پلیس و مردم می‌شود و تعاملات بیشتر به اعتماد و مشارکت مردمی منجر می‌شود.

مشارکت مردم در انجام وظایف ناجا در چهار حوزه کلی می‌تواند صورت پذیرد:

۱. تصمیم‌گیری که شامل برنامه‌ریزی و طرح ریزی‌های ناجا است.
۲. تدارک که شامل تأمین امکانات و منابع لازم برای تحقق سیاست‌ها و برنامه‌ها در طرح‌های ناجا می‌باشد. این منابع می‌تواند بسیار گسترده باشد نظیر منابع انسانی در سطوح مختلف و مالی و پولی در اشکال متفاوت آن و ...

۳. اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها که به معنی حضور و فعال شدن مردم در عینیت بخشی و تحقق اهداف ناجا می‌باشد.
۴. نظارت که اعمال کنترل و ارزیابی و ارزشیابی گروه‌های ذینفع بر تمامی فرایندهای فوق را در بر می‌گیرد (انصاری، ۱۳۸۲).

مشارکت مردم با نیروی انتظامی به گونه‌های زیر قابل توجه است:

۱. کمک به نیروی انتظامی در کشف جرم و تعقیب مجرمان و همکاری جدی با سایر مقامات سیاست جنایی.
۲. توجه به توصیه‌های ایمنی مقام‌ها و رعایت آن‌ها.
۳. گشت و بازرسی.
۴. حضور در قالب هیئت منصفه.
۵. مشارکت بزه دیده در دادرسی.
۶. توسل به بخش‌های خصوصی، مانند پلیس شهرداری (موذن جامی، ۱۳۷۸).

از راهکارهای مشارکت مردمی در امنیت اجتماعی می‌توان به آموزش انتظام مشارکتی (فرهنگ انتظامی)، گذر از امنیت پلیسی به امنیت مشارکتی، جلب اعتماد محلی، تعامل بین سازمانی، جلب همکاری سازمان‌های مردم نهاد اشاره کرد. علی‌رغم اهمیتی که بحث مشارکت مردم در برقراری نظم و امنیت دارد اما تاکنون تحقیقات اندکی در زمینه گرایش‌های مردم به مشارکت با پلیس صورت گرفته که در این تحقیق تلاش بر این است ضمن بررسی وضعیت مشارکت مردم شهرستان بوشهر با پلیس، دریابیم که راهکارهای جلب مشارکت مردم شهرستان بوشهر با پلیس در راستای ارتقاء امنیت اجتماعی کدامند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

نیروی انتظامی متولی امری است که عزت و اقتدار و یا بر عکس نابودی و اضمحلال جوامع و حکومت‌ها بدان وابسته است. چون امنیت مقوله‌ای کاملاً اجتماعی است، لذا مشارکت عمومی و تعامل مردم با پلیس ضامن امنیت اجتماعی پایدار است و شناخت پلیس از شاخص‌های مؤثر بر افزایش این عامل و مشارکت مردمی و راهکارهای حفظ و ارتقاء این تعامل در جهت نیل به تأمین امنیت مطلوب از اهمیت بالایی برخوردار است. و تنها در این صورت است که تلاش‌های پلیس کارآمد و تعامل و مشارکت عمومی، امنیت اجتماعی را ایجاد می‌کند. در حال حاضر، به دلیل اهمیت موضوع مشارکت مردمی، در هر سازمانی، بخشی تحت عنوان "کمک‌ها یا مشارکت‌های مردمی" تشکیل شده است که علاوه بر صرفه‌های مادی، ارزش‌های معنوی و فرهنگی مانند افزایش حس اعتماد و تعامل مستقیم با مردم را فرآوری می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که مشارکت اگر سابقاً ضرورتی عقلانی بوده، امروزه به صورت نیاز اخلاقی - انسانی درآمده است. مشارکت یکی از ارزش‌های مهم انسانی اخلاقی است که با خود عنصری از مسئولیت‌پذیری و عمل آگاهانه و آزادانه را حمل می‌کند.

تحقیق در خصوص تأثیرات مشارکت مردم در حفظ نظم، انضباط و امنیت و به دنبال آن ارائه راهکارهایی برای توسعه مشارکت آنان از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود و تأثیرات و پیامدهای قابل توجهی به همراه دارد. بنابراین ضرورت تحقیق پیش رو عبارت است از: افزایش قدرت تعامل نیروی انتظامی با آحاد مردم، کاهش ناسازگاری‌های تدریجی عوامل نیروی انتظامی با مردم، کاهش حجم تهدیدات و معضلات اجتماعی و تعارضات مردم با پلیس. تا از این طریق بتوان زمینه برقراری نظم، انضباط و امنیت اجتماعی را مهیا نموده و سطح مشارکت اجتماعی مردم نسبت به برنامه‌های این سازمان را افزایش داد.

ادبیات تحقیق

امروزه با تغییر شرایط، مقوله امنیت جایگاه و منزلتی چند جانبه در زندگی انسان یافته است. در گذشته امنیت با بقای جان تعریف می‌شد، جامعه‌ایمن جامعه‌ای بود که از هجوم اقوام یا عناصر مهاجم در امان بود. در این فضا، امنیت، مقوله‌ای نظامی و خشن بود که مانند اقتصاد به مهم‌ترین نیاز انسان یعنی بقا می‌اندیشید. در واقع امنیت روی دیگر سکه ترس بود. اما در جامعه

امروزین، امنیت معنای دیگری یافته است و از خوف و وحشت فراتر رفته و به نیازی فرهنگی و مدنی تبدیل شده است. امنیت دیگر به سان فرصت تحولات اجتماعی تلقی می‌شود، اهمیت کارکردها و فرصت‌های حاصل شده از امنیت سبب شده است که حول این موضوع نهادهایی تشکیل شود که سازمان پلیس در کانون همه قرار دارد. به هر حال به دلیل اهمیت این مقوله، برنامه‌های مربوط به آن در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، ملی و اجتماعی در دستور کار دولت‌ها قرار دارد. در اینجا با تاکید بر مشارکت در ارتقای امنیت جامعه، در صددیم با مراجعه به آثار موجود به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

- ۱- چه تعریف و ابعادی برای مفهوم مشارکت می‌توان بیان کرد؟
 - ۲- مشارکت امنیتی و انتظام مشارکتی چه اهمیتی در دنیای جدید خاصه شرایط فعلی کشور ما دارد؟
 - ۳- کشورهای دنیا در این زمینه چه اقداماتی داشته‌اند و ظرفیت کشور ما در استفاده از آن‌ها چه قدر است؟
 - ۴- تجربه کشور ایران درباره این موضوع چیست؟ و چه برنامه‌ها و سیاست‌هایی داشته است؟
 - ۵- گزینه‌های عمل برای تقویت مشارکت مردمی در امنیت کدامند؟
- اکنون با تشریح فضای مفهومی موضوع، در جهت پاسخ به پرسش‌های بالا تلاش می‌شود.

مفاهیم و دیدگاه‌های مشارکت

واژه مشارکت^۳ از حیث لغوی به معنی با همدیگر عمل کردن، به عهده گرفتن، سهمی از چیزی بردن و عمل متقابل اجتماعی یک گروه است (ساروخانی، ۱۳۷۰). و یک درگیری ذهنی و عاطفی برای یک شخص در موقعیت‌های گروهی است که او را برمی‌انگیزاند تا برای دستیابی به اهداف گروهی تلاش کند و در مسئولیت کار شریک شود (طوسی، ۱۳۷۰).

مشارکت به معنی سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن تعریف شده است (علیم، ۱۳۷۳). از منظر جامعه‌شناختی مشارکت نوعی فرایند تعاملی چند سویه است.

در اندیشه افلاطون منشأ مشارکت را رفع هر نوع تعلق و مالکیت و رسیدن به هدف مشترک در جامعه مبتنی بر حکومت اندیشه گران و یا فیلسوفان می‌داند (دفتر هماهنگی توسعه آموزش و پرورش، ۱۳۷۸). به نظر اسپینوزا و هیوم حس تعاون به صورت غریزی در روح انسان رسوخ کرده است. از نظر آنان مشارکت در امور و همدردی از جمله فطرت آدمی است (همان: ۷). در نظر امام محمد غزالی مشارکت در زندگی اجتماعی و خانوادگی جزو ذات انسان‌ها بوده و تعاون از جمله ضرورت‌های زندگی است (همان: ۷). این خلدون همدستی و تعاون را عامل اصلی در فراهم ساختن معاش دانسته و تاکید کرده است که زندگی اجتماعی به تنهایی امکان‌پذیر نیست و در پرتو همکاری و تعاون گروهی است که زندگی اجتماعی جریان پیدا می‌کند (همان: ۸). به نظر «آلموند»^۴ و «پاول»^۵ فعالیت‌های مشارکت جویانه آن دسته از فعالیت‌هایی است که شهروند معمولی می‌کوشد از راه آن‌ها روی سیاست‌گذاری اعمال نفوذ کند (فرهنگی، ۱۳۸۲). مشارکت، نوعی رفتار با مردم است که آنان را قادر می‌سازد تا بر حوادث مؤثر بر زندگی‌شان تأثیر قاطع بگذارند، به همین خاطر باید از آزادی کامل و از جمله حق اظهار نظر برخوردار باشند و دارای اهمیت و ارزش تلقی شوند. آلن پیرفیت می‌نویسد: مشارکت مورد مشورت قرار گرفتن قبل از تصمیم‌گیری را گویند به نحوی که اظهار نظر شخصی و اعمال مراقبت در جریان اجرایی این تصمیم و تحول نتایج آن امکان داشته باشد (سعیدی، ۱۳۸۲).

به نظر «سالیامر»، مشارکت مداخله و نظارت مردم و قابلیت سیاسی - اجتماعی نظام را در دستیابی به توسعه، همراه با عدالت اجتماعی بیشتر، بالا خواهد برد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶). میسر (۱۳۶۵) مشارکت را "پدیده‌ای چند بعدی شامل صیانت

3- Participation
4- Almond
5- Powell

نفس، قدرت تصمیم برای خود و تسلط بر نفس" می‌داند (میسرا، ۱۳۶۵). در تعریف فانو، "مشارکت، فعالیت داوطلبانه افراد برای تغییر خودخواسته، بهبود خود و زندگی و محیط و نهایتاً افزایش توانایی و عمل برای پاسخ به طرح‌ها و برنامه‌های توسعه است" (Fao, ۱۹۹۰). آلن بیرو (۱۳۷۵) در تعریف مفهوم مشارکت می‌نویسد: "مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است (بیرو، ۱۳۷۵). از نظر سالکی (۱۳۶۹) مشارکت در کارهای اجتماعی به معنی نوعی تعهد و قبول مسئولیت فردی و اجتماعی است که هر کدام از ما ناگزیریم آن را بپذیریم (سالکی، ۱۳۶۹). به نظر شجاعی (۱۳۸۱) مشارکت یک حرکت آگاهانه، فعال و مسئولیت آوری است که برای پیشبرد امور جامعه ضروری است (شجاعی، ۱۳۸۱). رابرت چمبرز (۱۳۷۸) نیز با تأکید بر مضامین عمیق مشارکت می‌نویسد که از این واژه در سه جهت تزئینی، ابزاری و واقعی استفاده می‌شود (چمبرز، ۱۳۷۸). از نظر گارد و بیسر به نقل از تاچر و کمپوس (۱۳۸۲) "مشارکت را می‌توان به صورت تعهد مشترک در پرداختن به مسائل توسعه بر اساس تقسیم توافقی شده وظایف و مسئولیت‌ها" تعریف کرد (گارد و بیسر به نقل از تاچر و کمپوس، ۱۳۸۲).

در میان تعریف‌های موجود، تعاریف "میسرا" و "رابرت چمبرز" که بر خصایص انسانی و روان شناختی مشارکت تأکید می‌کنند قابل تأمل هستند. تعاریف بیان شده نشان می‌دهد که اکثر نویسندگان برداشتی که از مشارکت دارند به معنای تعهد و عمل در نظر گرفته و رفتارهای اجتماعی انجام شده را به عنوان مشارکت واقعی تلقی می‌کنند و معنای عام مشارکت که به معنای عضویت در گروه و داشتن سهمی در تداوم زندگی گروهی است را به معنای مشارکت از بعد فنی کلمه تلقی نمی‌کنند.

اما مشارکت اجتماعی «به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند» (تبریزی ۱۳۶۹).

مرتن (۱۳۷۵) جامعه‌شناس کارکردگرا، تحلیل کارکردهای نهان و آشکار مشارکت اجتماعی را شامل بخش‌های زیر می‌داند:

۱. وضع و شرایط مشارکت کنندگان در ساخت اجتماعی؛
۲. معنای عاطفی و شناختی رفتار کسانی که به مشارکت می‌پردازند؛
۳. تمیز بین انگیزه‌های مشارکت و رفتار مشارکت کنندگان؛
۴. جنبه‌های رفتاری منتظم که با این انگیزه‌ها پیوسته‌اند، هر چند که مشارکت کنندگان چندان شناختی از آن نداشته باشند (بیرو، ۱۳۷۵).

از نظر مکتب ساخت‌گرایی مشارکت اجتماعی مردم روابط پایدار نهادینه شده در جامعه‌اند که جزئی از ساخت اجتماعی هر جامعه را تشکیل می‌دهد. و میزان مشارکت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (طوسی، ۱۳۷۲).

مکتب کارکردگرایی توجه خود را به نقش‌ها و کارکردهایی معطوف می‌دارد که مشارکت افراد یا گروه‌ها در جامعه موجب پدید آمدن آن‌ها می‌شود. زیرا در نتیجه این کارکردها، نظام اجتماعی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد و انسجام اجتماعی و وفاق جمعی را پدید آورد (اوکلی و مارسدن، ۱۳۸۰).

مکتب تضاد مشارکت اجتماعی را در قالب روابط طبقاتی، مبادله نابرابر و کشمکش و ستیز میان گروه‌ها مورد توجه قرار می‌دهد. نظریه پردازان مکتب تضاد، روح جمعی و انسجام اجتماعی را مورد غفلت قرار می‌دهند و معنای عام و واقعی مشارکت را در جامعه‌ای آرمانی و بی طبقه جستجو می‌کنند (همان: ۱۱۸).

در این تحقیق منظور از مشارکت، حضور مردم و پذیرش نقش و مسئولیت حفظ امنیت با همکاری نیروی انتظامی می‌باشد. برخی از عواملی که در مشارکت مردم با نیروی انتظامی مؤثرند، به شرح زیر است: سرمایه اجتماعی؛ امکان مشارکت؛ شناخت

ابعاد مشارکت؛ سابقه مشارکت؛ رضایت از پلیس؛ آموزش مشارکت؛ احساس امنیت اجتماعی؛ پیشگیری وضعی از جرم؛ قانون مداری؛ تقاضا از نیروی انتظامی؛ احترام به نیروی انتظامی؛ حمایت اجتماعی.

مشارکت اجتماعی در امنیت

در پنجاه سال اخیر، افزایش جمعیت و گسترش شهرنشینی و به وجود آمدن مسائل متعدد در حوزه‌های مختلف، انرژی و توان زیادی از نیروهای انتظام بخش را مصروف خود ساخته است. از این رو در سال‌های گذشته، پلیس با تغییر نگرش خود از متولی گری امنیت به برون سازی برخی از فعالیت‌های انتظامی، زمینه را برای مشارکت افرادی که می‌توانند در زمینه‌های مختلف برای افزایش نظم و امنیت خود و جامعه به پلیس کمک کنند، فراهم کرده است. اگر بخواهیم دو مفهوم امنیت و مشارکت را تحت اصطلاح "مشارکت امنیتی" و معادل دیگر آن "انتظام مشارکتی" با هم ترکیب کنیم، تعبیر جدید، تمامی مصادیق کاربرد (اعم از اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی) و شمول معنایی (خرد، میانه، کلان) دو مفهوم پیشین را در بر خواهد گرفت. بر این اساس، مشارکت امنیتی همان انتظام همگانی و مشارکتی است که باید چنین تعریف شود: "کنشی اجتماعی و داوطلبانه که معطوف به نظم و امنیت محله و محیط زندگی است که به اشکال مستقیم یا غیر مستقیم در قالب فعالیت‌های دگر یارانه یا خود یارانه به گونه‌ای پایدار و تأثیر گذار در جامعه صورت می‌گیرد" (عنبری و فیروز جثانی، ۱۳۸۸).

یکی از اندیشه‌هایی که در سال‌های اخیر مورد استقبال قرار گرفته، این است که نیروی انتظامی باید در تعامل نزدیک با شهروندان، برای بهبود کیفیت اجتماع و رفتار مدنی تلاش و در این راه به جای جرم انگاری از آموزش، ترغیب، متقاعد سازی و مشاوره استفاده کند. تأکید بر این راهبردها به معنای انکار پیوندهای میان بیکاری، فقر و جرم نیست، بلکه مبارزه علیه این مسائل اجتماعی، باید با رهیافت‌های اجتماعی در پیشگیری از جرم هماهنگ شود (گیدنز، ۱۳۸۶).

درباره موضوع کار پلیس با مشارکت مردم تعاریف و دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد، برخی معتقدند که کار پلیسی با مشارکت مردم یک فکر جامع است که روی یک هدف متمرکز شده است: کاهش جرائم. در تمامی تعاریف نکته‌ای که مهم است، همکاری پلیس و مردم و یک نگرش مبتنی بر حل مسئله به نقش و کارکرد پلیس است. در واقع کار پلیسی با مشارکت جامعه یک فلسفه جدید کار پلیسی مبتنی بر این مفهوم است که افسران پلیس و شهروندان که به شیوه‌های خلاق با یکدیگر همکاری می‌کنند می‌توانند به حل مشکلات جامعه در خصوص جرائم و بی‌نظمی اجتماعی کمک کنند (میلر و هیس، ترجمه کلهر، ۱۳۸۰).

مشارکت اجتماعی در امنیت یکی از مصادیق مشارکت در توسعه ملی است. زیرا توسعه همه جانبه بدون برقراری نظم و امنیت همه جانبه غیر ممکن خواهد بود. تأمین امنیت فقط وظیفه نهادهای امنیتی و انتظامی نیست، تمامی نهادها و افراد باید در آن مشارکت کنند. این رویکرد، منظری از پایین به مقوله امنیت است و امنیت را فرآورده‌ای اجتماعی و مردمی می‌داند. در حقیقت این جامعه و اعضای آن است که به خود، امنیت می‌بخشد نه آن که از بیرون به آن‌ها امان داده شود (عنبری و فیروز جثانی، ۱۳۸۸). این نوع مشارکت مردم با نیروی انتظامی اغلب در زمینه‌های زیر انجام می‌شود: جمع‌آوری اطلاعات و اخبار، انجام اقدامات مشترک (مانند برگزاری مراسم و ...)، نظارت بر عملکرد پلیس و اقدامات نظارتی پلیس بر فعالیت‌های مردم. جلب مشارکت مردم با پلیس مزیتی قابل ملاحظه در عملکرد این نیرو به منظور ارتقای امنیت و احساس برای مردم در پی دارد (اباذری و محمدی یگانه، ۱۳۸۹).

کارشناسان مطالعات پلیس و امنیت اجتماعی بر وجود سه دوره مشخص در کار نیروی انتظامی تأکید دارند: دوره‌ی سیاسی، دوره‌ی اصلاحات و دوره‌ی مشارکتی. بر هر یک از این دوره‌ها پارادایم خاصی حاکم بوده است. پارادایم دوره سوم که با مفهوم مدرن امنیت سازگاری دارد، جامعه محوری است. در این پارادایم، اصل بنیادی، اعتماد متقابل پلیس و مردم و مشارکت همدلانه این دوره در رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است. در گفتمان جامعه محوری، امنیت امری گسیخته از سایر امور و عوامل

اجتماعی نیست، بلکه در گرو همسازی با فعالیت‌های نهادهای آموزشی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی است. این مفهوم با فضایل اخلاقی و سرمایه اجتماعی و مشارکت فعال مردمی همراه است (عبدی، ۱۳۸۲).

پیشینه پژوهشی

انصاریان (۱۳۷۹) در تحقیقی با عنوان "مشارکت مردم در انجام وظایف ناجا" نشان داد که میزان مشارکت اجتماعی پاسخگویان تابع احساس امنیت آنان، احساس رضایت از عملکرد ناجا و میزان اعتماد اجتماعی آنان می‌باشد (کرامتی و ملتفت، ۱۳۸۶). معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان "پژوهش در وجهه نظرها و رفتار مشارکتی مردم شهرستان تهران در مسائل مرتبط با وظایف ناجا و عوامل موثر بر آن" چهار ویژگی مشارکت مردم در حفظ نظم و تأمین امنیت و سلامت جامعه عبارت بودند از: آموزش رسانه‌های عمومی، آموزش کلاسی، آموزش‌های هشداردهنده و آموزش رسانه‌ای. نتایج تحقیق انصاری (۱۳۸۲) با عنوان "پژوهشی در عوامل موثر بر مشارکت مردم در امور مربوط به ناجا در شهرستان تهران" نشان داد رضامندی از فعالیت‌های ناجا بیشترین تبیین را در مورد مشارکت مردم و ناجا داشته است. پس از رضایت از عملکرد ناجا اعتماد متقابل بین مردم و کادر ناجا و سپس اعتماد اجتماعی مردم از اثرگذارترین متغیرهایی هستند که رفتار مشارکتی را بین مردم و ناجا به صورت مستقیم تبیین می‌کند.

خوش فر (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان "بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی" نشان داد که مشارکت در تأمین امنیت در بین گروه‌های مختلف شغلی یکسان است.

یافته‌های پژوهش صالحی توپسرکانی (۱۳۸۵) با عنوان "جلب مشارکت‌های مردمی در کلانتری‌ها و موانع و مشکلات پیش روی (بررسی موردی کلانتری‌های شمال شرق تهران)" نشان داد که آموزش کارکنان، منابع و امکانات و آموزش همگانی از موانع مشارکت مردم با کلانتری‌هاست.

نتایج تحقیق انواری رستمی و همکاران (۱۳۸۶) با عنوان "بررسی ارتباط مشارکت مردمی و عملکرد کلانتری‌های فرماندهی انتظامی تهران بزرگ" ضمن تأیید انجام فعالیت‌های مشارکتی در بین کلانتری‌های تهران و مردم به عنوان یک عامل مزیتی، نشان داد که تاثیر مشارکت‌های مردمی برای همه انواع این مشارکت‌ها، به یک اندازه نبوده است. به طوری که مشارکت سازمان‌های غیر دولتی با کلانتری‌ها با بهبود عملکرد این کلانتری‌ها ارتباط معناداری نداشته اما مشارکت‌های اقشار مردمی و سازمان‌های دولتی با بهبود عملکرد کلانتری‌های موصوف رابطه معناداری داشته است.

یافته‌های تحقیق شایگان (۱۳۸۸) با عنوان "نقش سرمایه اجتماعی پلیس در جلب همکاری و مشارکت مردم جهت برقراری نظم و امنیت" نشان داد که سرمایه اجتماعی پلیس، حضور و مشارکت او در فعالیت‌های محل، همکاری پلیس با مردم خصوصاً در ساعات غیر اداری و میزان احترامی که مردم بر پلیس می‌گذارند، همگی تاثیر بسزایی در افزایش مشارکت مردم با پلیس دارد.

بهشتی (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان "بررسی راهکارهای جلب مشارکت جوانان در برقراری نظم و امنیت در عاشورای حسینی شهر زنجان" نشان داد که بین نهادهای مذهبی و رضایت از عملکرد نیروی انتظامی و میزان مشارکت جوانان در شهر زنجان رابطه وجود دارد.

مرادی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان "بررسی راهکارهای علمی جلب همکاری و مشارکت در راستای ارتقای امنیت اجتماعی در استان چهارمحال و بختیاری" مهمترین علل موثر در مشارکت شهروندان با نیروی انتظامی به ترتیب عواملی چون سابقه مشارکتی (با گروه‌ها، انجمن‌ها و ...); نگرش مثبت نسبت به ساختار سیاسی حاکم در جامعه; بیکاری; نحوه برخورد مأموران با شهروندان; رفتار عدالت‌جویانه مأموران نیروی انتظامی و سابقه جرم می‌باشند و احساس تعلق به گروه و به محل سکونت; اعتماد

به دولت؛ اعتماد به نفس؛ احساس آزادی شهروندان و آگاهی از حقوق شهروندی کمترین علل موثر در مشارکت شهروندان با نیروی انتظامی می‌باشند.

لرنر^۸ (۱۹۹۷) به نقل از بهشتی (۱۳۷۳) در تحقیقی با عنوان " بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی " دریافت که هر یک از عوامل محل سکونت (شهر یا روستا)، میزان تحصیلات، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، سن، مذهب و استفاده از رسانه‌ها (رادیو، تلویزیون، مطبوعات و سینما) با میزان مشارکت مردم در فعالیتهای مدنی جامعه ارتباط دارند.

لیپست^۹ (۲۰۰۰) به نقل از رسول‌زاده (۱۳۸۰) معتقد است در کشورهای مختلف از جمله آلمان، سوئدان، آمریکا، نروژ، فنلاند و برخی کشورهای دیگر، مردان بیشتر از زنان، تحصیل‌کردگان بیشتر از کم‌سوادان، شهرنشینان بیشتر از روستائیان، افراد ۵۵- بیشتر از جوانان، متاهلین بیشتر از مجردین، افراد دارای منزلت بالاتر بیشتر از افراد دارای منزلت پایین تر و افراد عضو سازمان‌های غیر دولتی بیشتر از افراد غیر عضو در فرایندهای اجتماعی مشارکت دارند (لیپست، ۲۰۰۰؛ ترجمه رسول‌زاده، ۱۳۸۰).
واندرشورن (۲۰۰۸)^{۱۰} در تحقیقی با هدف ارزیابی میزان مشارکت نهادهای دولتی و غیر دولتی با عوامل پلیس در جهت تأمین نظم و امنیت در سطح کشور هلند، مشاهده کرد که نهادهای دولتی، شهرداری‌ها، سازمان‌های غیر دولتی خواهان مشارکت بالایی با عوامل و نیروهای پلیس هلند هستند (واندرشورن، ۲۰۰۸).

فرضیه‌های تحقیق

۱- به نظر می‌رسد بین ارزیابی شهروندان و کارشناسان انتظامی در خصوص راهکارهای جلب مشارکت مردمی تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

۲- به نظر می‌رسد بین ارزیابی پاسخگویان شهری و روستایی از راهکارهای جلب مشارکت مردمی تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

۳- به نظر می‌رسد بین ارزیابی شهروندان دارای سابقه مشارکت و فاقد سابقه مشارکت در خصوص راهکارهای جلب مشارکت مردمی تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

۴- به نظر می‌رسد بین میزان مشارکت اجتماعی کارشناسان انتظامی با چگونگی ارزیابی راهکارهای جلب مشارکت مردمی رابطه معنادار آماری وجود دارد.

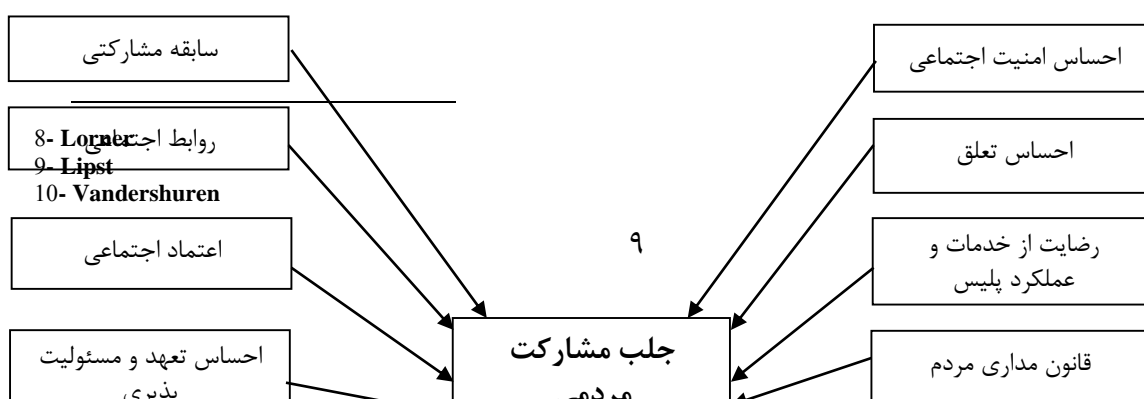
۵- به نظر می‌رسد بین گروه‌های درآمدی پاسخگویان با میزان ارزیابی راهکارهای جلب مشارکت مردمی تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

۶- به نظر می‌رسد بین وضعیت شغلی پاسخگویان با میزان ارزیابی راهکارهای جلب مشارکت مردمی تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

۷- به نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات پاسخگویان با میزان ارزیابی راهکارهای جلب مشارکت مردمی تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

مدل مفهومی تحقیق

پس از مطالعه و بررسی مبانی نظری و تجربی و احصاء متغیرهای موثر و نیز ابعاد جلب مشارکت مردمی در راستای ارتقای امنیت اجتماعی مدل مفهومی زیر ارائه گردید.



روش تحقیق

با توجه به اینکه هدف این تحقیق بررسی راهکارهای جلب مشارکت مردمی با پلیس می‌باشد و به مسئولین نیروی انتظامی در یاری رساندن به فرایند تصمیم‌گیری در برقراری نظم و امنیت و ارتقای امنیت اجتماعی کمک می‌نماید به لحاظ طرح تحقیقی در زمره طرح‌های توصیفی^{۱۱} است. این طرح‌ها شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است (سرمد و همکاران، ۱۳۷۹). و با توجه به اینکه تحقیق حاضر به توسعه دانش کاربردی می‌پردازد از نوع کاربردی^{۱۲} است، چرا که هدف این تحقیق نیز توسعه دانش کاربردی در زمینه مشارکت مردمی با پلیس در برقراری نظم و امنیت و ارتقای امنیت اجتماعی می‌باشد. همچنین از آنجایی که به تحلیل وضعیت موجود، توصیف منظم مشارکت مردم بوشهر و ارائه راهکارهایی برای مشارکت آنان با پلیس و در مقطع زمانی حاضر و به صورتی واقعی می‌پردازد از نوع پیمایشی^{۱۳} است. این تحقیق برای بررسی توزیع ویژگی‌های جامعه آماری مردم و دانستن اینکه وضعیت فعلی مشارکت آنان چگونه است و چه راهکارهایی را می‌توان برای مشارکت مردم با پلیس ارائه داد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای گردآوری داده‌های مورد نیاز در این تحقیق علاوه بر اطلاعات کتابخانه‌ای که به منظور دستیابی به پیشینه تحقیق و مباحث نظری انجام گرفت، در مرحله میدانی به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز از دو پرسش‌نامه محقق ساخته به شرح زیر استفاده گردید:

۱. پرسش‌نامه ویژه کارشناسان و کارکنان انتظامی (جهت تعیین عوامل موثر در مشارکت، تعیین زمینه‌های مشارکتی شهروندان و راهکارهای جلب مشارکت مردمی با پلیس در ارتقای امنیت اجتماعی)؛
۲. پرسش‌نامه ویژه شهروندان (جهت تعیین: میزان مشارکت؛ عوامل موثر بر مشارکت؛ تعیین زمینه‌های مشارکتی آنان؛ راهکارهای جلب مشارکت مردم با پلیس).

11- Descriptive Research
12- Applied Research
13- Survey Research

برای تعیین روایی^{۱۴} پرسشنامه‌ها با نظرخواهی از استاد راهنما و متخصصان، روایی صوری و محتوایی آن‌ها مورد تأیید قرار گرفت. و برای محاسبه پایایی^{۱۵} پرسشنامه‌ها از آلفای کرونباخ^{۱۶} استفاده گردید. ضریب آلفا برای هر کدام از ابعاد جلب مشارکت مردمی در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱: ضریب آلفا ابعاد جلب مشارکت مردمی

کل پرسشنامه	ارائه خدمات تشویقی توسط پلیس	رعایت حقوق شهروندی از سوی پلیس	اقدامات نظارتی پلیس	کیفیت خدمات پلیس	آموزش و فرهنگ‌سازی	ارتقاء سرمایه اجتماعی	بعد جلب مشارکت
۰/۹۶۱	۰/۷۱۵	۰/۸۴۶	۰/۸۸۶	۰/۸۹۲	۰/۸۸۰	۰/۸۵۸	مقدار آلفا

جامعه آماری تحقیق را دو دسته از افراد تشکیل می‌دهد: ۱. مدیران و کارشناسان انتظامی شهرستان بوشهر با حجم ۴۰ نفر و ۲. شهروندان شهرستان بوشهر؛ طبق برآورد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان در سال ۱۳۹۴ با حجم ۲۷۵۹۲۲ نفر، که از این تعداد ۲۳۶۹۴۳ نفر در نقاط شهری و ۳۸۹۷۹ نفر در نقاط روستایی بودند. برای تعیین حجم نمونه مورد نیاز جامعه مدیران و کارشناسان نیروی انتظامی به دلیل مشخص و محدود بودن تعداد نفرات، از سرشماری، و حجم نمونه شهروندان شهرستان بوشهر نیز از جدول نمونه‌گیری کوکران استفاده گردید. که در نهایت حجم نمونه برابر با ۳۸۴ نفر شد (۳۳۰ نفر شامل ۱۷۲ مرد و ۱۵۸ زن در مناطق شهری و ۵۴ نفر شامل ۲۸ مرد و ۲۶ زن در مناطق روستایی). روش نمونه‌گیری شهروندان، طبقه‌ای چند مرحله‌ای بود بدین گونه که ابتدا سه شهر (بوشهر، عالی‌شهر و چغادک) به ترتیب به ۶، ۳ و ۴ منطقه تقسیم و با مراجعه به شهرداری هر منطقه و گرفتن تعداد بلوک‌های مناطق و شماره‌گذاری آن‌ها، مجموعاً تعداد ۱۱ بلوک به صورت تصادفی انتخاب و در هر بلوک تعداد مورد نیاز نمونه به صورت تصادفی انتخاب گردید. و از میان روستاها، ۶ روستا به صورت تصادفی و با توجه به پلاک خانوار تعداد ۹ خانوار از هر روستا به صورت تصادفی انتخاب شد. در هر مرحله برای انتخاب نمونه از انتساب متناسب استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

۳۵/۶٪ مجرد و ۶۴/۴٪ نیز متأهل، ۳۲/۸٪ غیر شاغل، ۳۹/۹٪ شاغل بخش دولتی و ۲۷/۴٪ شاغل بخش غیر دولتی، ۵/۲٪ دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۸/۸٪ دیپلمه، ۱۶/۵٪ فوق‌دیپلم، ۳۴/۹٪ لیسانس و ۱۴/۶٪ نیز فوق‌لیسانس یا بالاتر، میزان در آمد ماهیانه ۴۹/۸٪ کمتر از یک میلیون تومان، ۲۱/۵٪ بین یک تا ۱/۵ میلیون، ۲۲/۲٪ بین ۱/۵ تا ۲ میلیون، ۴/۵٪ بین ۲ تا ۲/۵ میلیون و ۲/۱٪ بیش از ۲/۵ میلیون تومان، ۱۲/۳٪ دارای سن ۲۰ سال به پایین، ۳۱/۶٪ ۲۰-۳۰ سال

14- Validity
15- Reliability
16- Cronbachs Coefficient Alpha

۳۸/۲۷٪، ۴۰-۳۰ سال، ۱۵/۶٪، ۴۰-۵۰ سال و ۱/۹٪، ۵۰ سال و بیشتر، ۳۸٪ از شهروندان با انجمن‌ها و گروه‌ها، داوطلبانه مشارکت و همکاری داشته ۶۲٪ نیز هیچ‌گونه زمینه همکاری و مشارکت نداشتند.

جدول ۲: بررسی و مقایسه میزان ارزیابی پاسخگویان از ابعاد و مؤلفه های راهکارهای جلب مشارکت مردم در

امنیت اجتماعی

کارشناسان	شهروندان	میانگین ارزیابی
		ابعاد راهکارها
۳/۹۰	۳/۵۷	اقدامات نظارتی و پیشگیرانه پلیس
۴/۱۴	۳/۷۳	کیفیت ارائه خدمات پلیسی
۳/۹۹	۳/۷۳	رعایت حقوق شهروندان توسط پلیس
۴/۲۶	۳/۷۵	ارتقاء سرمایه اجتماعی
۳/۹۶	۳/۶۹	آموزش و فرهنگ‌سازی
۳/۷۸	۳/۶۲	ارائه خدمات تشویقی و پاداش
۴/۰۷	۳/۷۰	مجموع راهکارهای پیشنهادی

با توجه به داده‌های جدول بالا میانگین نمره راهکارهای ارائه شده براساس نظر شهروندان برابر با ۳/۷۰ و دیدگاه کارشناسان برابر با ۴/۰۷ می‌باشد. به عبارت دیگر کارشناسان انتظامی نگرش بهتری نسبت به راهکارهای بیان شده داشته‌اند. علاوه بر این بالاترین میانگین از نظر شهروندان به راهکارهای ارتقاء سرمایه اجتماعی مربوط بوده در حالی که همین نکته در مورد دیدگاه کارشناسان انتظامی نیز صادق می‌باشد با این تفاوت که نمره راهکارهای ارتقاء سرمایه اجتماعی از نظر کارشناسان بیشتر می‌باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

فرضیه شماره ۱، ۲ و ۳: به نظر می‌رسد بین ارزیابی شهروندان و کارشناسان انتظامی، پاسخگویان شهری و روستایی، شهروندان دارای سابقه مشارکت و فاقد سابقه مشارکت در خصوص راهکارهای جلب مشارکت مردمی تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

جدول ۳: آزمون t دو نمونه مستقل در خصوص راهکارهای جلب مشارکت مردمی به توجه به متغیرهای مختلف

	t	df	sig
نوع پاسخگویان (شهروندان-کارشناسان)	-۳/۱۵۲	۴۲۰	۰/۰۰۲
محل سکونت (شهر-روستا)	-۲/۲۹۰	۴۲۰	۰/۰۲۲
سابقه مشارکت (دارای مشارکت-بدون مشارکت)	-۰/۴۰۷	۳۸۰	۰/۶۸۴

برای بررسی رابطه‌ی بین گروه‌های مختلف از آزمون t استفاده شده است. مقدار sig در جدول فوق بیانگر وجود تفاوت بین ارزیابی شهروندان و کارشناسان؛ و مناطق شهری و روستایی در خصوص راهکارهای جلب مشارکت مردمی می‌باشد. بنابراین فرضیه‌های تحقیق تأیید می‌گردد و می‌توان با ۹۵٪ اطمینان آن‌ها را به جامعه آماری مورد بررسی تعمیم داد. اما بین ارزیابی پاسخگویان دارای سابقه مشارکت و فاقد سابقه مشارکت تفاوتی وجود ندارد. بنابراین فرضیه تحقیق تأیید نمی‌گردد و نمی‌توان نتیجه حاصل را به جامعه آماری مورد بررسی تعمیم داد.

فرضیه شماره ۴: بین میزان مشارکت اجتماعی کارشناسان انتظامی با چگونگی ارزیابی راهکارهای جلب مشارکت مردمی رابطه معنادار آماری وجود دارد.

جدول ۴: آزمون بررسی رابطه بین میزان مشارکت اجتماعی کارشناسان انتظامی با ارزیابی راهکارهای جلب

مشارکت مردمی

تعداد	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	شاخص‌ها
			متغیرها
۴۰	۰/۱۳۵	-۰/۲۴۰	مشارکت اجتماعی کارشناسان
			راهکارهای جلب مشارکت

مقدار سطح معناداری در جدول فوق بیانگر عدم تفاوت بین میزان مشارکت کارشناسان انتظامی و میزان ارزیابی راهکارهای پیشنهادی می‌باشد. بنابراین فرضیه تأیید نمی‌گردد. به عبارت دیگر میزان مشارکت کارشناسان انتظامی در فعالیت‌های داوطلبانه رابطه‌ای با میزان ارزیابی آن‌ها از راهکارهای پیشنهادی ندارد.

فرضیه شماره ۵: به نظر می‌رسد بین گروه‌های درآمدی پاسخگویان با میزان ارزیابی راهکارهای جلب مشارکت مردمی تفاوت معناداری آماری وجود دارد.

جدول ۵: آزمون تحلیل واریانس یک طرفه بین گروه‌های درآمدی پاسخگویان و ارزیابی آن‌ها از راهکارهای

جلب مشارکت مردمی

میزان درآمد	ss	df	Ms	F	sig
بین گروهی	۱۲۵۹/۳۰۲	۴	۳۱۴/۸۲۶	۰/۵۸۹	۰/۶۷۱
درون گروهی	۱۲۱۲۹۲/۹۴۱	۲۲۷	۵۳۴/۳۳۰		
جمع	۱۲۲۵۵۲/۲۴۳	۲۳۱			

براساس مقادیر sig و F موجود در جدول فوق چنین نتیجه گرفته می‌شود که تفاوت معنادار آماری بین میانگین ارزیابی راهکارها در گروه‌های درآمدی مختلف وجود ندارد.

فرضیه شماره ۶: به نظر می‌رسد بین وضعیت شغلی پاسخگویان با میزان ارزیابی راهکارهای جلب مشارکت مردمی تفاوت معناداری آماری وجود دارد.

جدول ۶: آزمون تحلیل واریانس یک طرفه بین وضعیت شغلی پاسخگویان و ارزیابی آن‌ها از راهکارهای جلب

مشارکت مردمی

وضعیت شغلی	ss	df	Ms	F	sig
بین گروهی	۴۷۳۵۷۶/۷۴۲	۴	۱۱۸۳۹۴/۱۸۵	۱۵/۶۱۴	۰/۰۰۰
درون گروهی	۱۷۲۱۲۴۲/۴۸۲	۲۲۷	۷۵۸۲/۵۶۶		
جمع	۲۱۹۴۸۱۹/۲۲۴	۲۳۱			

براساس مقادیر sig و F موجود در جدول فوق چنین نتیجه گرفته می‌شود که تفاوت معنادار آماری بین میانگین ارزیابی راهکارها در گروه‌های شغلی مختلف وجود دارد.

جدول ۷: آزمون شفه بین وضعیت شغلی پاسخگویان و ارزیابی آن‌ها از راهکارهای جلب مشارکت مردمی

وضعیت شغلی	بیکار / خانه‌دار	کارمند دولت	بخش خصوصی
بیکار / خانه‌دار	۰/۰۰۰	۰/۴۰۷
کارمند دولت	- ۰/۳۲۲	۰/۰۰۰
بخش خصوصی	۰/۱۱۷	۰/۴۵۰

به منظور بررسی و تعیین تفاوت در بین گروه‌های شغلی از آزمون تعقیبی شفه استفاده شده است. بر این اساس تفاوت معناداری بین میانگین گروه شغلی کارمندان دولت نسبت به پاسخگویان بیکار و شاغلین بخش خصوصی وجود دارد. فرضیه شماره ۷: به نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات پاسخگویان با میزان ارزیابی راهکارهای جلب مشارکت مردمی تفاوت معناداری آماری وجود دارد.

جدول ۸: آزمون تحلیل واریانس یک طرفه بین سطح تحصیلات پاسخگویان و ارزیابی آن‌ها از راهکارهای جلب

مشارکت مردمی

سطح تحصیلات	ss	df	Ms	F	sig
بین گروهی	۵۸۱۷/۶۵۸	۲	۲۹۰۸/۸۲۹	۵/۶۰۹	۰/۰۰۴
درون گروهی	۹۸۰۱۱/۳۸۶	۱۸۹	۵۱۸/۵۷۹		
جمع	۱۰۳۸۹۲/۰۴۴	۱۹۱			

بر اساس مقادیر sig و F موجود در جدول فوق چنین نتیجه گرفته می‌شود که تفاوت معنادار آماری بین میانگین ارزیابی راهکارها در گروه‌های تحصیلی مختلف وجود دارد.

جدول ۹: آزمون شفه بین سطح تحصیلات پاسخگویان و ارزیابی آن‌ها از راهکارهای جلب مشارکت مردمی

مدرک تحصیلی	راهنمایی و کمتر	دیپلم	کاردانی	لیسانس	ارشد و بالاتر
راهنمایی و کمتر	۰/۷۰۸	۰/۹۷۳	۰/۹۲۲	۰/۸۰۹
دیپلم	۰/۲۴۱	۰/۸۷۷	۰/۹۱۷	۰/۰۰۳
کاردانی	۰/۱۲۳	-۰/۱۱۸	۰/۹۹۹	۰/۱۱۵
لیسانس	۰/۱۵۵	-۰/۰۸۵	۰/۰۳۲	۰/۰۲۱
ارشد و بالاتر	-۰/۲۲۴	۰/۴۶۳	-۰/۳۴۷	-۰/۳۸۰

به منظور بررسی و تعیین تفاوت در بین پاسخگویان با سطح تحصیلات متفاوت از آزمون تعقیبی شفه استفاده شده است. بر این اساس تفاوت معناداری بین میانگین پاسخگویان با مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر نسبت به دارندگان مدرک تحصیلی دیپلم و کارشناسی وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل اطلاعات توصیفی بیانگر آن است که:

کارشناسان انتظامی ارزیابی خوش بینانه تری از راهکارهای پیشنهادی داشته‌اند؛ بالاترین نمره از نگاه شهروندان به راهکارهای جلب اعتماد مردم نسبت به پلیس، ارتقای احساس امنیت اجتماعی و بهبود رفتار کارکنان پلیس با شهروندان اختصاص یافته است در حالی که همین سه راهکار نیز از نظر کارشناسان انتظامی در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند با این تفاوت که نمره کسب شده این سه راهکار از نظر کارشناسان در سطح بالاتری نسبت به شهروندان قرار دارد. بالاترین نمره از نظر شهروندان به مجموع راهکارهای ارتقاء سرمایه اجتماعی، در حالی که همین نکته در مورد دیدگاه کارشناسان انتظامی نیز صادق می‌باشد.

به کارگیری آمار استنباطی به منظور آزمون فرضیه‌ها نیز بیانگر آن است که بین نمره ارزیابی راهکارهای پیشنهادی در بین دو گروه پاسخگویان (شهروندان و کارشناسان انتظامی) تفاوت معنادار آماری وجود دارد. و می‌توان نتیجه به دست آمده را با ۹۵٪ اطمینان به جامعه آماری مورد بررسی تعمیم داد. میانگین نمره راهکارهای پیشنهادی برای جلب مشارکت مردم با پلیس کارشناسان انتظامی بیش از نمره شهروندان بود.

بین نمره ارزیابی پاسخگویان شهری و روستایی از اولویت و راهکارهای پیشنهادی تفاوت معنادار آماری وجود دارد. بنابراین فرضیه‌ی مذکور تأیید می‌گردد و می‌توان نتیجه را با ۹۵٪ اطمینان جامعه آماری مورد بررسی تعمیم داد. به عبارت دیگر نمره راهکارهای پیشنهادی در بین پاسخگویان روستایی از مقبولیت و پذیرش بیشتری نسبت به پاسخگویان شهری برخوردار است. مرادی (۱۳۹۰)، لیپست (۲۰۰۰) و لرنر (۱۹۹۷) به نتایجی همسو و هماهنگ با این نتیجه رسیده‌اند.

بین ارزیابی شهروندان دارای سابقه مشارکت و فاقد سابقه مشارکت در خصوص راهکارهای جلب مشارکت مردمی تفاوت معنادار آماری وجود ندارد. اما میانگین نمره راهکارهای پیشنهادی برای جلب مشارکت مردم با پلیس پاسخگویانی که سابقه مشارکت و همکاری در فعالیت‌های اجتماعی داشته‌اند بیش از پاسخگویان فاقد زمینه‌ی مشارکت بود. مرادی (۱۳۹۰)، بهشتی (۱۳۸۸) و انواری رستمی و همکاران (۱۳۸۶) به یافته‌هایی متفاوت با نتیجه تحقیق دست یافته‌اند. شاید علت این تفاوت در بی‌ارتباطی سابقه مشارکت پاسخگویان این تحقیق با مشارکت پلیسی یا نوع و میزان عمق مشارکت و یا غیرارادی بودن مشارکت پاسخگویان این تحقیق نسبت تحقیقات بیان شده باشد. در هر صورت مقوله مشارکت بنیان زندگی اجتماعی است و امنیت ضروری‌ترین نیازهای جامعه بشری قلمداد می‌شود. رابطه میان امنیت اجتماعی و مشارکت مردمی یک رابطه متقابل است. از یک طرف گسترش امنیت اجتماعی می‌تواند زمینه ساز توسعه مشارکت‌های مردمی باشد و از طرف دیگر افزایش مشارکت‌های مردمی پشتوانه محکمی برای حاکمیت و بقای امنیت در جامعه است.

بین میزان مشارکت اجتماعی کارشناسان انتظامی با چگونگی ارزیابی راهکارهای جلب مشارکت مردمی رابطه معناداری آماری وجود ندارد. شایگان (۱۳۸۸) نتیجه‌ای غیر همسو با تحقیق دارد. شاید علت تفاوت در تعریف مشارکت اجتماعی در دو تحقیق باشد.

بین گروه‌های درآمدی پاسخگویان با میزان ارزیابی راهکارهای جلب مشارکت مردمی تفاوت معناداری آماری وجود دارد. میانگین نمره راهکارهای پیشنهادی برای جلب مشارکت مردم با پلیس پاسخگویان با درآمد ۲/۵ میلیون و بیشتر از سایر گروه‌ها بود.

تفاوت معناداری آماری بین میانگین ارزیابی راهکارهای جلب مشارکت مردمی در گروه‌های شغلی مختلف وجود دارد که به منظور بررسی و تعیین تفاوت در بین گروه‌های شغلی از آزمون تعقیبی شفه استفاده گردید. بر این اساس تفاوت معناداری بین میانگین گروه شغلی کارمندان دولت نسبت به پاسخگویان بیکار و شاغلین بخش خصوصی وجود دارد. واندرشون (۲۰۰۸)، لیپست (۲۰۰۰) و لرنر (۱۹۹۷) دارای نتایجی همسو با این یافته هستند. در حالی که خوش‌فر (۱۳۸۴) به نتیجه‌ای غیر یکسان دست یافته است. ممکن است علت تفاوت در نوع گروه‌های شغلی انتخاب شده باشد. همچنین گروه‌های شغلی دارای تنوع در

میزان تحصیلات و تجربیات مختلف و در نتیجه درک و باورهای مختلفی از نحوه برخوردشان با مشارکت و مقوله امنیت مردمی دارند.

آزمون فرضیه بیانگر آن است که بین میانگین ارزیابی پاسخگویان از راهکارهای جلب مشارکت مردمی پیشنهادی بر حسب سطح تحصیلات آن‌ها تفاوت معنادار آماری وجود دارد. بر اساس آزمون تعقیبی شفه تفاوت معناداری بین میانگین پاسخگویان با مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر نسبت به دارندگان مدرک تحصیلی دیپلم و کارشناسی وجود دارد. اداره کل مطالعات اجتماعی (۱۳۸۴)، لیپست (۲۰۰۰) و لرنز (۱۹۹۷) به نتایج مشابه با این نتیجه رسیده‌اند. و صالحی تویسرکانی (۱۳۸۷) یافته‌ای متفاوت با این نتیجه دارد. احتمال دارد دلیل تفاوت با این یافته زمینه اجتماعی و فرهنگی، شغلی و جغرافیایی پاسخگویان تحقیق باشد. زیرا این زمینه‌ها باورها و دیدگاه‌ها را در باره موضوعات مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهند.

پیشنهادها

- ۱- ارتقاء سطح فرهنگی مأموران از طریق جذب نیروهای با تحصیلات بالا.
- ۲- تقویت روحیه انتقادپذیری و نظرخواهی مستمر از مردم و اجرای طرح‌های مردم محور عدم تبعیض در اجرا و اعمال قانون بین گروه‌های مختلف شغلی، قومی، نژادی، جغرافیایی و ...
- ۳- شناسایی افراد ذی نفوذ، متشخص و دارای قدرت اقناعی و فضایل اخلاقی در هر محله و بخش و تشکیل جلسات و گردهمایی‌هایی با حضور آنان به منظور دریافت نظرات، پیشنهادات و راهکارهای سازنده‌شان در رفع مسائل و پیشگیری از جرائم
- ۴- با تشکیل کارگروهی در معاونت اجتماعی نیروی انتظامی استان که ارتباط تنگاتنگی با مردم داشته باشد، به صورت ماهانه به آسیب‌شناسی علل تعاملات نادرست و مخدوش کننده نیروهای پلیس با مردم و همچنین ارائه راهکار برای حل آن، پرداخته شود تا در دستیابی به مشارکت مردم با پلیس، کوتاهی‌های احتمالی نیروهای پلیس شناسایی و برای رفع آن تلاش شود.
- ۵- بهره‌گیری از اساتید مجرب به منظور آموزش مداوم نیروهای انتظامی در قالب دوره‌های کوتاه مدت؛ در جهت آشنایی هر چه بیشتر کارکنان انتظامی با مباحث حقوق شهروندی، راهکارهای ارتقاء امنیت اجتماعی و چگونگی جلب اعتماد مردم نسبت به پلیس.
- ۶- صدا و سیما مراکز استان‌ها در قالب تولید برنامه‌های کوتاه انیمیشن و طنز وظایف و تکالیف شهروندان را در مقوله مشارکت با پلیس و سودمندی چنین مشارکتی را در دستور کار قرار دهد.

منابع

الف) فارسی

- ۱- ابادری، محمدحسن و رضا محمدی یگانه (۱۳۸۹) مجموعه مقالات منتخب نخستین همایش ملی قاچاق کالا و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جنوب کشور. بوشهر دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی.
- ۲- اداره کل مطالعات اجتماعی (۱۳۸۴). پژوهش در وجهه نظرها و رفتار مشارکتی مردم شهرستان تهران در مسائل مرتبط با وظایف ناجا و عوامل موثر بر آن. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ناجا. ۴۶-۴۵.
- ۳- انصاری، حمید (۱۳۸۲). پژوهشی در عوامل موثر بر مشارکت مردم در امور مربوط به ناجا در شهرستان تهران. مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی. تهران: معاونت اجتماعی ناجا.

- ۴- انواری رستمی، علی اصغر و ابادری، محمدحسن (۱۳۸۶). بررسی ارتباط مشارکت مردمی و عملکرد کلانتری‌های فرماندهی انتظامی تهران بزرگ. فصلنامه علوم انتظامی. تهران: دانشگاه علوم انتظامی. شماره: ۱، سال: ۱.
- ۵- اوکلی، پیتز و مارسدن، دیوید. (۱۳۸۰). رهیافت‌های مشارکتی در توسعه. ترجمه محمود نجات حسینی. تهران: مرکز تحقیقات روستایی
- ۶- بهشتی، محمد (۱۳۸۸). بررسی راه‌کارهای جلب مشارکت جوانان در برقراری نظم و امنیت در عاشورای حسینی شهر زنجان. زنجان: مجموعه مقالات اولین همایش شعائر اسلامی و نظم و امنیت.
- ۷- بیرو، آلن (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- ۸- چمبرز رابرت، (۱۳۷۸). جابجایی الگوها و شیوه کار پژوهش و توسعه مشارکتی، ترجمه عبدالرسول مرتضوی، گاهنامه‌ی روستا و توسعه، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی؛ ش ۳ و ۴ سال سوم.
- ۹- خوش فر، غلامرضا (۱۳۸۴). بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی. کتاب مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی. معاونت اجتماعی ناجا. انتشارات گلپونه.
- ۱۰- دفتر هماهنگی توسعه آموزش و پرورش (۱۳۷۸). مشارکت در آموزش و پرورش. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- ۱۱- روابط عمومی ناجا (۱۳۸۹). مفهوم امنیت اجتماعی. (online:www. Police.ir).
- ۱۲- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. تهران: نشر کیهان
- ۱۳- سرمد، زهره. بازرگان، عباس و حجازی، اله (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه.
- ۱۴- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی. تهران: سمت.
- ۱۵- سیف زاده، حسین (۱۳۸۶). نوسازی و دگرگونی. تهران: سروش.
- ۱۶- شادی طلب، رضا (۱۳۸۲). مشارکت در امور شهری. تهران: معاونت شهرداری تهران.
- ۱۷- شایگان، فریبا (۱۳۸۸). نقش سرمایه اجتماعی پلیس در جلب همکاری مردم در جهت برقراری نظم و امنیت. فصل‌نامه نظم و امنیت انتظامی. سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا. سال دوم، شماره ۱: ۷۸-۵۹.
- ۱۸- صالحی توپسرکانی، فضل‌الله (۱۳۸۷). جلب مشارکت‌های مردمی در کلانتری‌ها و موانع و مشکلات پیش روی (بررسی موردی کلانتری‌های شمال شرق تهران). تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- ۱۹- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۹). مدیریت و مشارکت کارکنان. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۲۰- عبدی، توحید (۱۳۸۲). تبیین جامعه محوری در سازمان پلیس. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. شماره اول.
- ۲۱- عنبری، موسی، فیروزجائیان، علی اصغر (۱۳۸۸). مشارکت امنیتی و انتظام مشارکتی. بررسی تجارب و زمینه‌های مشارکت در تأمین و نظم امنیت (با تأکید بر ایران). فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی. سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا. شماره: ۲ سال ۲، صص ۹۴-۵۹.
- ۲۲- علیم، شمیم (۱۳۷۳). مشارکت زنان در قدرت سیاسی. تهران: فروردین.
- ۲۳- غفاری، غلامرضا و محسن نیازی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت. تهران: نزدیک.
- ۲۴- فرهنگی، علی اکبر (۱۳۸۲). بررسی نظری موانع اجتماعی و فرهنگی مشارکت. تهران: نشر.
- ۲۵- کرامتی و ملتفت (۱۳۸۶). مشارکت مردم در انجام وظایف ناجا. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ناجا. ۴۱۹-۳۶۷.
- ۲۶- گارد، ربرت کلیت و بیسر، هیتز. (۱۳۸۲). ایجاد مشارکت میان دولت، شهروند و فعالیت‌های انتزاعی. ترجمه محمد پسران قادر و عباس کمال زاده. تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
- ۲۷- گیدنز، آنتونی؛ جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری (۱۳۸۱). تهران: نشر نی، چاپ هفتم.

- ۲۸- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۶۹). بررسی زمینه‌های مشارکت روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی. تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد کشاورزی.
- ۲۹- محمدی، غفار (۱۳۸۹). مشارکت مردم با نیروی انتظامی امنیت را به دنبال دارد. خبرگزاری حوزه تخصصی دین. چهارشنبه ۱۱ مهرماه.
- ۳۰- مرادی، حجت‌الله (۱۳۹۰). بررسی وضعیت مشارکت دانش‌آموزان استان چهارمحال و بختیاری و ارائه مدلی برای آن. شهرکرد: دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی.
- ۳۱- میسرا، ب (۱۳۶۵). مشارکت مردمی. نشریه جهاد، شماره ۸۹، سال ۶.
- ۳۲- موذن جامی، محمد هادی (۱۳۷۸). نقش مشارکت اجتماعی در تقویت امنیت اجتماعی. فصلنامه دانش انتظامی. سال دوم، پیش شماره دوم.
- ۳۳- وروایی، اکبر (۱۳۸۴). پلیس جامعه محور، مطالعه تطبیقی شیوه‌های جلب مشارکت مردمی در تأمین نظم عمومی و امنیت اجتماعی. تهران: معاونت سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.

ب) غیر فارسی

- 1- Avant , Deborah (2007). NGO , corporation and security Transformation in Africa. international relations , vol . 21 (2) , 143 – 146.
- 2- Frumhling , H , (2007). the impact of international models of policing in latin America :the case of community policing .police practice and research ,volume 8 , issue 2 .
- 3- Hughes , G , Michael Rowe .(2007) . neighborhood policing and community safety : researching the instabilities of the local governance of crime , disorder and searity in contempory uk . criminology and criminal justice , vol . 7 .
- 4- International center for the prevention of crime (icpc)(1995) .urban policies and crime prevention , paper presented to de ninth UN congress for the prevention of crime , cairo.
- 5- Kaarianen , jaha , t ,(2007). trust in the police in European countries ,europian countries , europian society of criminology ,vol , 4 , 409-434 .
- 6- Kelling G (1987). “acquiring a taste for order : the community and police .” crime & delinquency .
- 7- Nsibambi , Apolo (1991). resistance councils and committees :a case study from makere in H . B . Hansen and m . Twaddle , changing Uganda , eastern African studies . kampala .
- 8- Scott , J , D (2002). assessing the relation ship between police – community co production justice , vol . 18 . no 2 .
- 9- Smith . k . (1998). participation without power : subterfuge or development , in community development journal , vol 33. No 3 . july .
- 10- Terpstra , j , (2008). police, local government , and citizen as participants in local security networks . police practice and research , volume 9 , issue 3 , july .
- 11- Vanderschueren, farnaz. (۲۰۰۸). from violence to justice and security in cities. environment and urbanization , vol 8 , no 1 , april .
- 12- Vejnovic , D , Velibor , l , (2005) , community policing in a changing world . a case study of bsnia and Herzegovina , police practice and research , volume 6 , issue 4 .

13- Vitra , sirpa , (2008) , soft power and public participation in policing , the annual meeting of the American society of criminology , royal York . Toronto.

14- Vourch , c . & M marcus (1993) . security and democracy , paper for the European forum for urban safety . no 3 .